



SUMMONER
BOOK ONE

احضارگر

جلد اول : کار آموز • تاران ماتارو
The Novice • بهنام حاجی زاده



فصل یکم

یا الان یا هیچ وقت. اگر فلچر^۱ این شکار را انجام نمی داد، باید آن شب را گرسنه سر می کرد. غروب به سرعت از راه می رسید؛ همین الان هم دیرش شده بود. باید خیلی زود به دهکده برمی گشت، وگرنه دروازه ها را می بستند. اگر چنین می شد، یا باید با پول نداشته به نگهبان ها رشوه می داد یا شانسی را امتحان می کرد و شب را در جنگل می گذراند.

گوزن شمالی جوان، تازه ساییدن شاخ هایش به کاجی بلند را تمام کرده و روکش مخملی نرم رویشان را ساییده بود تا شاخ زیرشان را تیز کند. فلچر از روی جثه و قامت کوچکش می توانست بگوید که نوجوان است و دارد اولین شاخ هایش را به رُخ می کشد. از نژادی مرغوب بود با خزی براق و روشن و چشمانی گیرا.

فلچر از شکار چنین جانور باشکوهی احساس شرم می کرد ولی در سرش حساب و کتاب کرده بود. موقع آمدن تاجران خز، پوست ضخیمش خوب فروش می رفت، به ویژه حالا که زمستان هم بود. حداقل پنج شیلینگ^۲ می ارزید. هر چند شاخ ها کوچک بودند اما وضع خوبی داشتند و اگر شانس

^۱ Fletcher

^۲ Shilling: واحدی پول معادل یک بیستم سکه ی لیره ی طلا.